

بلاغت کاربردى

درس 1

آموزشیار: آقای یزدانی

استاد: سرکار خانم فرخی

این درس نخست با ذکر یک پیش گفتار به جایگاه علم بلاغت و اهمیت آن در فهم قرآن کریم اشاره کرده سپس به تعریف اصطلاحی و موضوع آن پرداخته و در ادامه تاریخچه ای از تدوین علم بلاغت به همراه نام چندین پیش گام در این عرصه چون شیخ عبدالقاهر جرجانی را برای آشنایی بیشتر بیان کرده است.

پس از شناخت بلاغت به عنوان دانشی که به انسان می آموزد که چگونه سخن خوب و فصیح را به جا بگوید نوبت به آن می رسد که سخن فصیح شناخت ه شود. این درس در قسمت دوم به ضوابط فصاحت در کلمه و کلام می پردازد.

انسانی که بلاغت و فصاحت را خوب آموخته باشد وقتی با کلامی آشنا شود که بلاغت و فصاحت آن فراتر از توان بشری باشد بر آستانه متکلم آن سر به سجده ی فروتنی می نهد. این درس و درس های بعدی گام به گام شما را تا این قله رهپاری می نفاید.

پیش گفتار

انسانی که شیوه سخن گفتن را می داند حال دیگران را مراعات کرده و با آنها مناسب حالشان سخن می گوید و در راستای رعایت حال مخاطب و مقام از الفاظ روشن و مانوس بهره می گیرد.

از این رو در مواجهه با انسان تیز هوش از توضیح دادن مقصودش اجتناب می کند و به اشاره اکتفا می کند ولی در مواجهه با انسان کودن چاره ای جز تصریح و توضیح دادن نمی بیند. این چنین انسانی متناسب با مقام گاهی کوتاه و گاهی طولانی سخن به زبان می آورد به عنوان مثال در مقامی که فرصت کم است کوتاه اما در مقام ستایش یا مناجات طولانی سخن می گوید و این موضوع به خوبی در دعاهای وارد شده از پیامبر (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت (علیهم السلام) مشاهده می شود.

در نگاه به کلام آسمانی قرآن این رعایت مقام و شیوه ها فراتر از توان بشری دیده می شود که برای چشیدن شیرینی بیان آن نیاز به شناخت ظرافت ها و اسرار کلام عربی در پرتو علم بلاغت می باشد.

شناخت بلاغت

أ) تعریف بلاغت

بلاغت در اصطلاح به دو صورت به کار می رود :

- 1) بلاغت کلام که عبارت است از تطابق کلام فصیح با مقتضای حال.
 - 2) بلاغت متکلم که عبارت است از ملکه ای در متکلم که به او توانایی بر بلیغ سخن گفتن را می دهد.
- در نتیجه شناخت بلاغت کلام متوقف بر امور زیر است :

1) شناخت فصاحت

2) شناخت حال و مقتضای حال

3) شناخت حالت‌های لفظ عربی که کلام را با مقتضای حال مطابقت می‌دهد.

ب) موضوع علم بلاغت و هدف آن

موضوع علم بلاغت، فصاحت لفظ و مطابقتش با مقتضای حال است.

در این راستا علم معانی عهده دار مطابقت کلام با مقتضای حال و علم بیان عهده دار فصاحت کلام می‌باشد و علم بدیع طفیلی بلاغت است که آرایه‌های کلام بلیغ را بیان می‌کند.

هدف علم بلاغت آگاهی بر اسرار فصاحت و بلاغت به انگیزه رسیدن به اعجاز قرآن و پرده برداشتن از ظرافت‌های آن به اندازه توان بشری می‌باشد.

ج) نگارش علم بلاغت

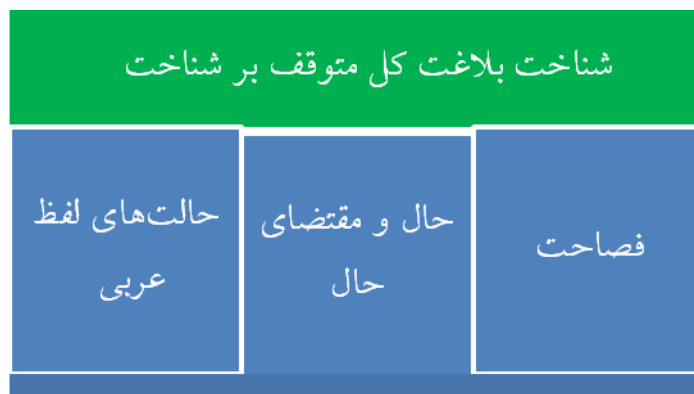
از آغاز ظهور اسلام و نزول قرآن، بلاغت و دانش‌های ادبی پدید آمدند ولی به نظر می‌رسد تدوین این دانش‌ها پس از دوران پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) صورت گرفته است. از پیش‌گامان در این عرصه می‌توان به افراد زیر اشاره کرد:

1. ابا عبیده بن المثنی (م 211 هـ ق) شاگرد خلیل بن احمد صاحب کتاب «مجاز القرآن»

2. امام مرزبانی (م 378 هـ ق) صاحب کتاب «المفضل»

3. شیخ عبدالقاهر جرجانی (م 471 هـ ق) صاحب کتاب «سرار البلاغه» و «دلائل الإعجاز»

عبدالقاهر جرجانی این علم را کامل کرده و توسعه بخشید از این رو نسبت دادن علم بلاغت به وی مشهور شده تا آنجا که برخی او را واضع علم معانی می‌دانند.



شناخت فصاحت

فصاحت در اصطلاح بر سه معنی اطلاق می‌شود :

أ (**فصاحت کلمه** : که عبارت است از روانی حروف، مانوس بودن کلمه در استعمال، موافقتش با قانون زبان و سازگاری با شنیدن.

به سخن دیگر کلمه خالی از عیب‌های زیر باشد :

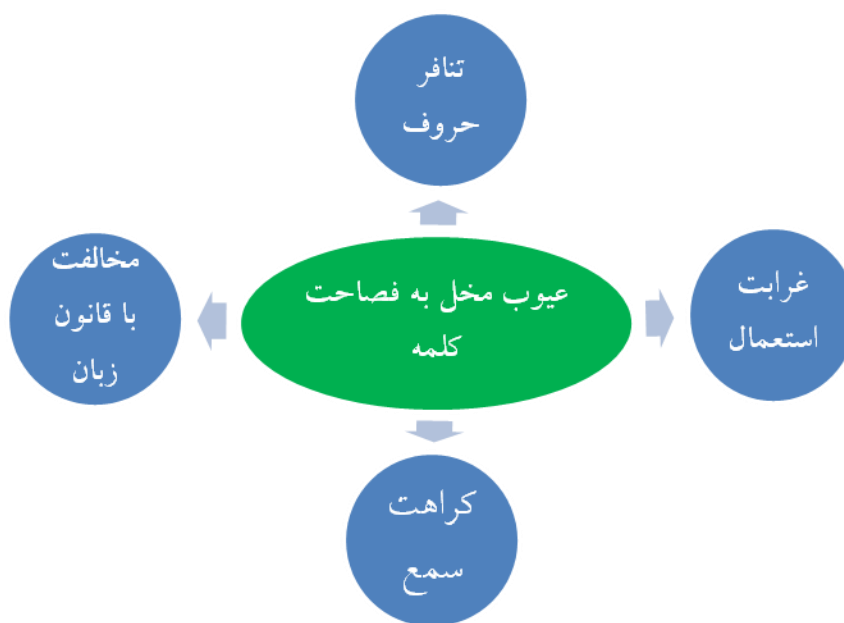
1. تنافر حروف یعنی کلمه سخت و دشوار به زبان بیاید مانند «مُسْتَشْرِرات» یا «هُعْخُع».
2. غرابت/استعمال یعنی نزد فصیحان عرب زیاد به کار نرفته باشد مانند «تکاکأتم».
3. مخالفت با قانون زبان یعنی کلمه شاذ و مخالف با قواعد علم صرف باشد مانند «أَجَلَل».
4. کراهت سماع یعنی طبع انسان از شنیدن آن بیزار باشد اگر چه نطق به آن دشوار نباشد مانند «جرشی».

ب (**فصاحت کلام** : که عبارت است از فصاحت کلمه ها به همراه سازگاری آنها با یکدیگر، قوت تالیف آنها، نظم لفظی و معنوی داشتن ، سازگاری با طبع در صورت تکرار و پشت سرهم آمدن اضافه‌ها.

به سخن دیگر کلام پس از فصیح بودن کلماتش عیب‌های زیر را نداشته باشد :

1. تنافر کلمات یعنی اجتماع کلمه ها سبب سنگینی کلام شده باشد اگرچه هر کدام از آنها به تنهایی سبک و فصیح باشد مانند «لیس قُرب قَبر حَرْب قَبر».

2. ضعف تالیف یعنی ترکیب کلام مخالف قوانین مشهور علم نحو باشد مانند «أبقى مجده الدهر مطعماً» که ضمیر «مجده» به «مطعماً» برمی گردد و حال آن که از پیش هیچ گونه یادی از او نشده است.
3. تعقید لفظی یعنی دلالت کلام بر مراد به سبب خلل در چینش ترکیب کلمات واضح نباشد مانند «صان اللّیثم و صنت وجهی ماله» که در اصل «صان اللّیثم ماله و صنت وجهی» بوده است.
4. تعقید معنوی یعنی دلالت کلام بر مراد به سبب خلل در انتقال از معنای اولی به معنای مقصود واضح نباشد مانند «سأطلب بعد الدار عنکم لتقربوا وتسکب عینای الدموع لتجمدا».
5. کثرت تکرار یعنی یک لفظ بدون هیچ فایده ای تکرار شود مانند «إني و أسطار سطرن سطرأ لقائلٌ یا نصر نصر نصرأ».
6. تابع/اضافات یعنی چندین اضافه پشت سر هم در بیاید و موجب دشواری معنی شود مانند «أيا حمامة جرجا حومة الجندل اسجعی».





چکیده

1. علم بلاغت در مسیر درک اعجاز قرآن و فهم حقایق آن جایگاه بسیار والایی دارد.
2. کلام بلیغ عبارت است از کلام فصیحی که مطابق با مقتضای حال باشد و متکلم بلیغ متکلمی هست که ملکه بلیغ سخن گفتن را داشته باشد.
3. موضوع عام بلاغت، فصاحت لفظ و مطابقتش با مقتضای حال است.
4. برخی عبدالقاهر جرجانی را واضع علم معانی دانسته اند.
5. کلمه فصیح کلمه ای است که از عیوب زیر تهی باشد :
تنافر حروف - غرابت استعمال - مخالفت با قانون زبان - کراهت سمع
6. کلام فصیح کلامی است که علاوه بر فصاحت کلماتش از عیوب زیر تهی باشد :
تنافر کلمات - ضعف تالیف - تعقید لفظی - تعقید معنوی - کثرت تکرار - تنابع اضافات